

# این همه تنش و تشنج در افغانستان تقصیر کیست؟؟؟

{ دولت و تیم تشکیل دهنده دولت، ناتو و پنتاگون و یاجنگسالاران و پول پرستان ؟ }

بخش – سوم (زیمیرواسکاری)



آیا انسان و تنش را می‌فروشد؟  
 آب و نانش را خریدید  
 آیا در این دنیا عزیزتر از وطن هست؟  
 آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟  
 پاره پاره‌اش کردند  
 گیسوانش را گرفتند و کشیدند  
 کشان کشان بردند و تقدیم کافر کردند  
 آقایان، چگونه به این وطن رحم نکردید؟  
 دست‌ها و پاها بسته در زنجیر،  
 وطن، لخت و عور بر زمین افتاده  
 و نشسته بر سینه‌اش گروهیان تکزاسی.  
 آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟  
 می‌رسد آن روز که چرخ بر مدار حق برگردد  
 می‌رسد آنروز که به حساب‌های شما برسند  
 می‌رسد آن روز که از شما بپرسند:  
 آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟ (ناظم حکمت)

## جنگ سالاران و تفنگ پرستان



هنگامی آمریکا تصمیم گرفت علیه طالبان وارد جنگ شود به تجهیز و تقویت فراریان دیروزی مبادرت ورزید. اما تفنگداران جنگ سالار بقانون خویشتن را در ایجاد انار شیزم و برهم خوردگی وضع اجتماعی دیده، از همین جهت پیوسته درصدد بی ثبات نگهداشتن اوضاع تلاش های مذبوهانه مینماید و سود خویشتن را فقط و فقط در جنگ و تفنگ می بینند آنها به منظور اغوا و سرکوب مردم، در تمام عرصه ها دست به اقدامات خانثانه و ماجراجویانه میزنند. دولت پروسه بنام جمع آوری سلاح را روی دست گرفت که میلیون ها دالرا را به بادفنا داد، ولی در ظاهر ارقام های ارابه می گردد که امید واری های کاذبی را به مردم نوید میدهد.

اما کشتن، بستن، بردن، اختطاف، زورگویی، قاچاق وحشت، بربریت، جنگ های ذات البینی و مردم آزاری با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا می نماید. گزارش هایی در دست است که افراد ملبس به یونیفورم پولیس، در اخلاص امنیت شهر نقش داشته اند، با اینکه از سوی مقامات دولتی اعلام شده که این افراد از چوکات اداره پولیس خارج بوده اند و تنها از یونیفورم استفاده کرده اند، اما این موضوع به قوت خود باقیست که با نبود زیر ساخت اقتصادی افزایش بیکاری سبب اخلاص در امنیت اجتماعی می شود. این موضوع سبب پدید آمدن نوعی کانگستریزم شهری گردیده است.

بیش از شش سال است که آمریکا و متحدین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زکذاشته شد. حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای ایساف و ادعاهای بلند بالایی کرزی، هنوز هم افغانستان به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است. ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشماری تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوههایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند...

هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل ناامنی در کشور هستند. اگر سلاح جمع آوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، وحدت خلیلی، حرکت های اسلامی و ... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک دهها میل سلاح در اختیار دارند.

سرگروه ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحکوت های خود را حفظ کرده اند. باحاکمیت مجدد تفنگداران یکبار دیگر فساد مالی، رشوت ستانی، زورگویی، بی قانونی، فساد اجتماعی، جنایت اخلاقی، بزن، بربوبکش سلاحداران، بیکاری، فقر، وجور و چپاول به اوج خود رسید. خورد و برد قسمت اعظم کمک های خارجی به وسیله وزارتخانه ها و دیگر ارگان های دولتی و کند بودن اعمار مجدد. سران جهادی در زیر چشم هزاران عسکر امریکایی و ناتو به تولید و تجارت بیسابقه هیروئین مشغول بوده که افغانستان را مجدداً در صدر لیست کشورهای تولید کننده هیروئین قرار داده اند. باوجود ادعاهای مبنی بر آزادی بیان، فریادها در گلو خفه می گردند و آنانی که جرئت ابراز نظرات غیر سازشکارانه شان را دارند با ضرب و شتم و تفنگ و تهدید روبرو می شوند.

پروسه خلع سلاح آغاز شد و امیدواریهای را در میان مردم پدید آورد مردمی که طی بیست و یک دهه در حاکمیت تفنگ هزاران قربانی دادند و کشور خود را نمایشگاه عظیم انواع سلاح های سبک و سنگین می دیدند، درین آرزو بودند که روزی سایه سیاه تفنگ را بر بالای سرشان ندیده و این حاکمیت ننگین را برای ابد به گورستان تاریخ دفن نمایند.

ذخایر و معادن ما که برای دولت مردان نامکشوف باقی مانده اند به وسیله دزدان و غارتگران شناسایی می شوند و آنان این منابع ارزشمند را استخراج نموده و در بازارهای خارج از کشور، به فروش می رسانند. کشور و مردم افغانستان با توجه به این که اقتصاد ضعیفی دارند اندک بضاعت مالی ما چه در خانه و چه سرمایه های ملی اینگونه به غارت و تاراج می رود.

تبدیل جنگ سالاران به کارمندان دولت. کرزی گفته بود: دوران جنگ سالاری به پایان رسیده است. اما با وجود اعلام کرزی، جنگ سالاران هنوز جزو قدرتمندترین نیروهای کشور به شمار می روند. شماری از آنها در شهر و شهرک های افغانستان سنگر گرفته اند، مهمات جمع آوری می کنند، به قاچاق تریاک می پردازند و به نیروهای پولیس ضربه می زنند. آنهایی هم که در کابل حضور دارند می توانند به راحتی نظامیان خود را از نو به خدمت فراخوانند. چندی پیش برنامه توسعه سازمان ملل متحد که پروژه ای را با هدف خلاصی کشور از شر جنگ سالاران و نظامیان غیرقانونی پیش می برد، اعلام کرد که حداقل پنجم عضو دولت کرزی مستقیماً با گروه های نظامی غیرقانونی ارتباط دارند. یوناما این نگرانی را مطرح کرد که ادامه فساد در حکومت به کاهش حاکمیت دولت مرکزی منجر خواهد شد. اگرچه افغانستان در یک مرحله گذار قرار دارد ولی ممکن نیست از کنار مسایل مهمی چون فساد، مواد مخدر و اداره ضعیف به آسانی گذشت. وجود فساد اداری در دستگاه حکومت از آن دسته انتقادهای است که پس از طالبان، کرزی همواره با آن مواجه بوده است؛ آنچه که حکومت کرزی از نخستین

روزهای تشکیل متعهد به مبارزه با آن شده بود. ولی در حال حاضر این مشکل به جای کاهش، رو به افزایش نهاده است.

دوام این حالت در کنار نارضایتی مردم نگرانی برخی سازمان های جهانی را نیز برانگیخته است. موضوع فساد در دستگاه حکومت به یکی از بحث های محوری مطبوعات غربی نیز تبدیل شده چنانچه در یکی از شماره های اخیر روزنامه واشنگتن پست در مطلبی از خرید و فروش پست های بلند دولتی در افغانستان خبر داده شده است. بسیاری افغان ها به این نتیجه رسیده اند که اگر جلو فساد گرفته نشود و اصلاحات لازم به وجود نیاید آنچه در سال های گذشته دولت و مردم به دست آورده اند به آسانی از دست خواهد رفت. سال گذشته شماری از سران جهادی که در گزارش سازمان جهانی نظارت بر حقوق بشر، متهم به نقض حقوق بشر شده بودند؛ در کابل گرد هم آمدند و پیرامون گزارش اخیر سازمان نظارت بر حقوق بشر؛ به بحث و مشوره، پرداختند و دخالت شان در جنایات جنگی را رد کردند.

آنان انتشار این گزارش را توطئه ای علیه مجاهدین توصیف و خواهان محاکمه تهیه کنندگان این گزارش شدند. در این نشست که شماری از سران جهادی و برخی نمایندگان مجلس حضور داشتند، بر تشکیل گردهمایی در در اعتراض به گزارش سازمان متذکره تاکید شد. برهان الدین ربانی در رابطه با گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر گفت که باید علیه تهیه کنندگان این گزارش اقامه دعوا شود.

وی با اشاره به اینکه در گزارش به حیثیت ملی افغان ها تجاوز شده افزود: هر فردی از این دار و دسته و لانه جاسوسی آنها گزارش را تهیه کرده باید محاکمه شوند. ( نه آدمکشان مسلح )  
وی اضافه کرد: این سازمان نه بر اساس احساسات اسلامی و یا دفاع از حقوق بشر بلکه بر اساس وظیفه اطلاعاتی دشمن علیه جنبش آزادی خواهی ملت ها فعالیت می کند. ربانی این گزارش را توطئه توصیف کرد و افزود: شماری از افراد داخلی و خارجی در تهیه گزارش یاد شده دخالت دارند.

همچنین رسول سیاف نیز گفت که این گزارش آسیبی به مجاهدین و مردم وارد نخواهد کرد بلکه باعث همبستگی بیشتر و وحدت میان آنها خواهد شد. چندی قبل دیدبان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرده بود: اگر کرزی عدالت را حاکم نسازد، روند تحکیم امنیت در کشور شکست خواهد خورد. در گزارش تاکید شد که وقت آن است افرادی که در جنگ های داخلی و در وقوع جرایم جنگی دخالت داشتند به دادگاه احضار شوند. در گزارش دیدبان حقوق بشر از حکومت افغانستان انتقاد و گفته شد در عوض اینکه پایمال کنندگان حقوق بشر و مجرمان جنگی به دادگاه احضار شوند، آنان در دولت و پستهای کلیدی گماشته شدند.

در گزارش از عبدالرسول سیاف، برهان الدین ربانی، قسیم فهیم، اسماعیل خان، عبدالرشید دوستم و کریم خلیلی معاون کرزی نام برده شده است. بر اساس این گزارش، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی، ملا محمد عمر، ملا دادالله و مولوی جلال الدین حقانی از طالبان و حزب اسلامی متهم به جنایت ضد بشری نیز می باشند. پس از انتشار این گزارش دولت افغانستان مطالب سازمان نظارت بر حقوق بشر را در مورد شماری از شخصیت های جهادی کشور نادرست اعلام کرد.

اما در سال های گذشته موسسات داخلی و جهانی حقوق بشر مکرراً گفتند که ناقضین بزرگ حقوق بشر در چوکی های رسمی افغانستان کار می کنند. اما تاکنون کسی مشخص نام فردی را یاد نکرده بود. مقامات افغانستان در پاسخ به این اتهامات همیشه گفته اند که این سخنان صرف اتهامات است و علیه این افراد اسناد و شواهد وجود ندارد. اما اخیراً رئیس بخش آسیا در سازمان حقوق بشر هیومن رایتس و اچ برات آدامس از افرادی که به گفته او عملاً به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت متهم می باشند نام برد.

کرزی هم اعلام نمود که برنامه ای را تحت نام عدالت انتقالی روی دست گرفته است که طبق آن با مجرمین جنگ در افغانستان و جنگ علیه بشریت برخورد صورت خواهد گرفت. اما مقامات دولتی نگفتند که این برنامه چه وقت آغاز می شود و کدام افراد به کرسی عدالت کشانده می شوند.

اما برات آدامس در صحبت تلفونی خود با رادیوی آزادی مهر سکوت را درین مورد شکسته و نام این افراد را که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی متهم می باشند با صراحت به زبان آورد. آدامس در صحبت های خود از کرزی خواست که یک محکمه خاص را تشکیل دهد تا جنایتکاران جنگ در آن حضور یابند. او همینطور گفته است که بعد از سقوط طالبان حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن به ناقضین حقوق بشر و قاچاقبران مواد مخدر تکیه کرده است. او گفته است که در ظرف سال های گذشته مردم افغانستان شاهد شدید ترین جنایات در این کشور بودند.

آدامس اضافه می کند زمانی خارجیان بر این مردم بمبارد می کردند و بعداً در جنگ های تنظیمی توسط افغانها بمباران شدند. آدامس می افزاید که طبق یک گزارش این سازمان در اوایل دهه نود میلادی برای ویرانی کابل قدم عمده و منظم برداشته شد و این یک جزو کوچکی از جریانات افغانستان است.

به گفته آدامس یک عده افرادی که مسوول این اعمال بودند به یک ترتیبی از گذشته پاک شده و حالا در چوکی های بلند حکومت و پارلمان نشسته و از مصنوعیت هم بهره مند شده اند.

اما آدامس میگوید که این حالت برای مردم افغانستان قابل قبول نیست. ( افغانهای که ما با آنها صحبت کردیم گفتند که این موضوع برای شان غیر قابل قبول می باشد. آنها میدانند که کی کشور شان را ویران کرد، آنها این افراد را که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگ دست زده اند می شناسند و اعتبار آنها به حکومت و به پارلمانی که به

چنین افراد مقام ، قدرت و حیثیت داده است کمتر می شود.) آدمس در صحبت خود بر مقامات حکومتی و بخصوص کرزی اعتراض می کند که به این امر توجه ندارد. ما این موضوع را در سال های گذشته هم مطرح نمودیم ، کرزی خیلی محتاطانه و با کندی حرکت می کند.

او گفته است که از عقیده عدالت بخاطر جنایت های گذشته حمایت می کند اما او با تهدید افرادی مانند سیاف روبرو شده و عقب نشینی کرده است. آدمس ، کرزی را تشویق می کند از محاکمه چنین افراد ترس نداشته باشد : ( واقعاً امیدوارم که اعلام برنامه عدالت انتقالی يك علامتی باشد که رئیس جمهور حقیقتاً به این گفتار متعهد است و به قبول خطر در این راه آماده می باشد. عقیده ما اینست که این افراد نمی توانند کرزی را به سقوط روبرو سازند، آنها در حقیقت بازنده خواهند بود به شرطی که کرزی به حمایت جامعه جهانی در مسئله جنایات با آنها برخورد نماید. خلیزاد می گوید : آمریکا در تقویت و پرورش بنیاد گرایی اشتباه کرد، از همان آغاز مبارزه اش بعد از ۱۱ سپتامبر در برابر تروریسم جدی عمل نکرد. این کشور بیشتر د لنگرانی برای حضور در منطقه داشت تا نابودی نطفه های تروریسم. از جانب دیگر آمریکا میتواند با کمک های اقتصادی موثر نه به دزدان در افغانستان و دلالان در پاکستان ، بلکه به افراد مطمئن و پاک برای رشد اقتصادی، زمینه سربازگیری تروریستها و بنیاد گرایان را در کشور به حداقل برساند. روزنامه گاردین "سلاح هایی که ایالات متحده و بریتانیا به همراه متوذهای پیشرفته جنگی در اختیار بنیادگرایان قرار دادند به فاجعه در غرب ختم شد و براساس پدیده "چرخش" بر علیه کسانی مورد استفاده قرار گرفت که آن ها را تهیه دیده بودند. با آن که رسانه های گروهی آمریکا خود اعتراف می کنند که روی کار آمدن دولت جهادی و طالبی در افغانستان ناشی از کمک های پنهانی است که ایالات متحده به گروه های بنیادگرا کرده است. یکی دیگر از اشتباهات آمریکایی ها تاکید بیش از حد آنان بر روی عملیات های جنگی است.

از جانب دیگر اعضای ولسی جرگه که اکثریت آن ها را رهبران و فرماندهان به اصطلاح جهادی و به تعبیر غربی ها تفنگ سالاران سابق تشکیل می دهند برای تیرنه ی خود اقدام به تصویب منشور مصالحه ی ملی نمودند که بر مبنای آن خود را از اتهام نقض حقوق بشر و قتل نفس و غارت مردم تبرئه نموده و سندی برای دفاع از خود تدوین کنند. این رهبران و فرماندهان خطا کار بار دیگر بزرگترین اشتباه را مرتکب شدند و در واقع سند محاکمه ی خود را تصویب نمودند. این افراد که در طول عمر شان از هر نوع معامله و مجادله برای تأمین منافع شخصی دریغ نورزیدند و حتی به دهل دموکراسی و سکولاریسم غرب بنام جمهوری اسلامی ! به رقص در آمدند و به اسلام و جهاد و مردم ستم کردند، فکر می کردند بخاطر این که اسلام و جهاد را در پای آمریکا و غرب قربانی کرده و در سایه ی توپ و تانگ نیرو های آمریکایی و پیمان ناتو و حمایت همه جانبه ی غربی ها به زعم خود شان از طریق دموکراتیک ! به عنوان نمایندگان مردم در پارلمان راه یافته اند می توانند با سند سازی در این پارلمان نمایشی به حمایت غرب و نیرو های خارجی امید وار باشند و زمانی که تاریخ مصرف شان بسر می رسد مورد مواخذه قرار نگیرند.

اما چنین نشد، قبل از همه نمایندگان سکولار شاید هم برخی مسلمانان مخالف غارتگران جهادی با طرح منشور مصالحه ی ملی در ولسی جرگه مخالفت کرده و جلسه را ترک کردند. سپس شبکه ی جامعه ی مدنی و حقوق بشر که مورد حمایت غربی ها است با آن مخالفت کرد و بعد از آن نمایندگی سازمان ملل به مخالفت با این منشور برخاست و سر انجام دفتر حامد کرزی مخالفت خود را با تصویب منشور مصالحه ی ملی در ولسی جرگه اعلام کرد .

همه نهاد ها ی دولتی و بین المللی عفو جنایتکاران جنگی را در صلاحیت ولسی جرگه ندانستند و این حق را متعلق به قربانیان جنایت ها در افغانستان اعلام کردند. سرکردگان غارت گری و آدم کشی که اعتبار جهاد را به انحصار خود در آورده اند برای مقابله با مخالفت های ملی و بین المللی ، اقدام به برگزاری گرد همایی در غازی استدیوم کردند و حدود بیست حزب به اصطلاح جهادی در آن شرکت کردند و حمایت شان را از تصویب منشور عفو غارتگران دین و دنیای مردم مظلوم اعلا نمودند، اما این کار هم نتیجه ای نبخشید و سخنگوی یونیم در کابل بار دیگر با منشور ساختگی مصالحه ی ملی مخالفت کرده و عفو جنایتکاران را مربوط به قربانیان جنگ دانست. در واقع جنگ سالاران جهاد برای تیرنه ی شان تلاتش مذبحانه ای کردند که نه تنها نتیجه نبخشید بلکه با این کار بطور تلویحی به گناه کار بود خود اقرار کردند. این ها اگر واقعاً مجاهد می بودند اولاً به دهل دموکراسی وارداتی نمی رقصیدند وریش وپکول را درپای سربازان خارجی نمی رختند و ثانیاً غیر از خدا از کسی نمی ترسیدند و به دنبال سند سازی در نظام وابسته و پارلمان نمایشی و بی صلاحیت برای نجات خود شان بر نمی آمدند. این تفنگداران هنوز از دنیا پرستی سیر نشده و تنها به فکر خود شان هستند و به تحقیر اسلام و مظلومیت مردم توجهی ندارند. از وارخطایی غارتگران که بگذریم مخالفت سازمان ملل و سازمان های وابسته به غرب با مصوبه پارلمان و جلو گیری از قانونی شدن آن این نکته را بیشتر از پیش روشن می سازد که نظام سیاسی افغانستان نظام دست نشانده و وابسته است و تصمیم های آن هیچ ارزشی ندارد و تصمیم گیرنده ی اصلی خارجها هستند.

درین گیرودار ما شاهد اعلام موجودیت رسمی تشکیلاتی که خود را جبهه ملی می نامد بودیم . رهبری این جبهه را برهان الدین ربانی یکتن از چهره های جهادی که درویرانی ویربادهی کشور و بخصوص شهرکابل نقش داشت ، بر عهده دارد، کارشناسان سیاسی و نویسندگان مطبوعات، قبل از آنکه جبهه ملی، فعالیت خود را رسماً آغاز کند، اعلام موجودیت این جبهه، ترکیب اعضا، و احتمال موفقیت یا عدم موفقیت آن را از زاویه های مختلف مورد نقد و بررسی قرار داده اند. نخستین موضوعی که برای بسیاری از تحلیلگران، ابهام آلود و تامل برانگیز است ترکیب

نامتجانس اعضاي رهبري جبهه است که در آن افرادي از طيف هاي ناهمگون مجاهد اسلام گرا، چند تن از چپي هاي ديروز و غرب گراها در کنار يکديگر در زير سقف جبهه ملي گردهم آمده اند.

برخي از اعضاي رهبري جبهه عبارتند از احمد ضياء مسعود معاون اول کرزي، اسماعيل خان وزير انرژی و آب، مارشال قسيم فهيم و جنرال عبدالرشيد دوستم مشاور نظامي رئيس جمهور، سيد منصورنادري و پسرش سيد جعفر، اکبري از حزب وحدت، مصطفي ظاهر نواسه ظاهر شاه و فعال ترين عضو خانواده سلطنتي، يونس قانوني رئيس و تعدادي از اعضاي ولسي جرگه، نور الحق علومي، سيد محمد گلاب زوي، و برخي چهره هاي ديگر مانند قاضي محمد امين وقاد، نعيم فراهي، تاج محمد وردک، صديق چکري و چند تن ديگر . . .

کرزي رئيس صريحا با تشکيل جبهه ملي مخالفت کرده و گفت: برخي از سفارتخانه هاي خارجي در تشکيل آن نقش مهمي دارند. اين اظهارات نشان از اين دارد که دولت با حمايت پشتيبانان خارجي خود مصمم است از فعال شدن جبهه جلوگیری نماید که در اينصورت آینده اين تشکيلات نوپاي سياسي در هاله اي از ابهام فرو خواهد رفت. در اين رابطه ميتوان باصراحت پيش بيني کرد، ممکن است جبهه ملي ديريازود مصادره شود و احتمال ديگر اينکه ممکن است حالت شبیه دولت در دولت بوجود بياید، زيرا تعدادي از اعضاي ارشد جبهه ملي يا عضو دولت اند و يا عضو پارلمان. احتمال ديگر را نيز نمي توان از نظر دور داشت و آن اينکه رئيس پارلمان، عضو جبهه است و رئيس جبهه، عضو پارلمان است، در اينصورت مشخص نيست که اينها در تصميم گيري هاي قانوني و وظائف پارلماني خود آيا از منافع جبهه حمايت مي کنند و يا از منافع نظام سياسي کشور؟

اگر چه سفير آمريکا در کابل و برخي از دولت هاي غربي بارها هشدار داده اند که هرگاه در افغانستان اصلاحات روي دست گرفته نشود ممکن است کشمکش ها و چالش ها در اين کشور همچنان ادامه پيدا کند. اين نوع اظهارات به گونه اي اعلام نارضائتي از دولت کرزي پنداشته مي شود که در طی سال هاي گذشته، نتوانسته است درکشور موفقاته عمل کند. اين مسأله ابهاماتي را بوجود آورده است که ممکن است دولت هاي غربي، براي تأسيس کنندگان جبهه ملي چراغ سبز نشان داده باشند، ولي با اين حال اين دولت ها تا هنوز بصورت رسمي، يکپارچه از دولت کرزي حمايت مي کنند.

مدير بخش مطالعات بين الملل و استاد فلسفه و علوم سياسي دانشگاه واترلو کانادا از «عدالت پس از جنگ» مي گويد. «عدالت پس از جنگ از جنگ سرد تا کنون مسئله بوده است. همواره به آغاز جنگ و درگيري هاي آن بسيار توجه مي شود در حالی که دوران پس از جنگ از نظرها غافل مي ماند. وي از حضا ر مي پرسد چرا بايد به دوران پس از جنگ توجه داشت؟». او خود در پاسخ مي گويد که پايان دادن به جنگ مهم است و بازسازي پس از جنگ نيز به همان اندازه اهميت دارد تا از جنگ هاي ديگر جلوگیری شود. اگر چنين نشود بايد منتظر جنگ هاي بعدي ماند. عدالت پس از جنگ با مسئله عدالت در شروع جنگ در ارتباط است. اگر شروع جنگ ناعادلانه باشد، پايان آن زهرآگين خواهد بود...

به اساس توضيح اين دانشمند اکنون درکشورما کسي نميتواند از عدالت پس از جنگ سخن بمان آورد با اندوه و درد آنچه که اين وضعيت را خراب تر مي سازد، فرورفتن نهادهای دولتي درکشاکش های قومی و زبانی و برجسته کردن آنهاست، بهتر است که هم حکومت و هم پارلمان، معيارهای شايسته سالاری و ارزشهای علم و کمال و توانايی وليافت را درنظر بگیرند و از مطرح نمودن مسائلي که چالش زا و گمراه کننده است، اجتناب کنند. يکي از مسائلي زبانه بحث هاي است پيرامون معاشات وکلای شوراي ملي. درين ميان ديد گاهها، و طرز تلقي هاي ضد و نقیض بسياري حتي درميان وکلای ولسي جرگه نيز به عمل آمد که از جهاتي قابل تأمل به نظر ميرسد.

برخي از وکلای اين معاشات را اندک و غير مکفي ميشمازند با اين استدلال که آنها مکلف به مهمانداری از موکلين شان اند، شماری ديگر اين معاشات را در مقايسه با معاشات کارکنان دولت گزاف و بالاتر از توان بودجه دولتي به شمار آوردند. دولت متعهد گرديده تا جهت خريداري وسيله نقلیه به هر وکیل شورای ملی ده هزار دالر امريکايي وجهت تأمین امنيت آنان دو محافظ بدهد. به اساس اظهارات يونس قانوني، اين مبلغ درجریان پنجسال از معاش وکلای کسر خواهد شد. چندي قبل اعضای شورا ي ملی گزارشي هيئت اجرائیوی ولسي جرگه را مورد بحث قرار دادند. درگزارش اين هيئت که توسط قانونی خوانده شد، آمده است که جهت تأمین امنيت بهتر جان وکلای، با نماينده گان وزارت داخله رياست عمومی امنيت ملی و نيروهای ناتو بحث صورت گرفته و اين نهاد های امنيتی اعلام آماده گی در جهت تأمین امنيت مطمئن کرده اند. هر وکیل ماهانه حدود دوهزار دالر امريکايي حقوق، ماهانه ۶۷۵۰۰ افغانی پول دستر خوان، ماهانه ۳۰ هزار افغانی کرایه خانه، ماهانه ۱۲ هزار افغانی برای تيل و روغنيات موتر و ... به علاوه ۲۵ هزار افغانی را که به عنوان سفرخرج برای دوره رخصتی به هر وکیل و سناتور داده شده بود. شما قضاوت فرمايد اين همه پول از کدام طريق تهيه وبه وکلای که تعداد آنان از چور و چپاول وطن ميليونها افغانی سرمايه دارند، پرداخته شود در وطنی که همه چیز آن به تاراج رفته است. اين است حکومت ننگين و شرم آور کرزي.